

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۶۵

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنه الدائمه علی اعدائهم

اجمعین، اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمه یا ارحمن الراحمین.

دیشب آخر شب بعد از تتمیم تمام شدن بحث یک چند مورد از تقطیع را گفتیم که آقای خادمی

۸: ۰

بحثی که چند موردی تطبیق به اصطلاح مال تقطیع یا فهرستی یا روایی گفته شد فقط به عنوان نمونه بود و الا خود این بحث یک بحث خاصی است که دیگر چون خیلی طولانی شد دیگر به همان نمونه‌ها اکتفاء می‌کنیم.

بحث بعدی همان طور وعده‌ای که داده شد بحث ادراج یا مدرج است، کلمه مدرج در لغت عربی این است که یک چیزی ضمن یک چیزی بیاید یعنی به عبارت دیگر یک حدیث کاملاً کلاً یک سخنی به عنوان حدیث باشد و بعد بگویند نه آقا این کلاً مثلاً کلام امام نیست یا کلام رسول الله نیست این را اصطلاحاً مدرج نمی‌گویند چون تماش خالی است، مدرج این است که یک مقدارش کلام رسول الله باشد یک مقدار کلام راوی باشد یک مقدارش کلام امام، روشن شد اگر تماماً نباشد در میان اهل سنت اگر تماماً مال صحابه باشد موقوف می‌گویند بین تابعین باشد هم مقطوع می‌گویند این اصطلاح را هم ما نداریم اصطلاح موقوف نداریم، اصلاً کلمه موقوف پیش ما،

س: ما حدیث نمی‌دانیمش دیگر

ج: ما اصلاً حدیث نمی‌دانیم اما گاهی ممکن است در حدیث بیاید، بالاخره در حدیث ذکر می‌شود

س: تماماً قول صحابه باشد،

ج: خب اشتباه می‌شود، آنها هم حدیث نمی‌دانند کلام صحابی می‌دانند و از همان اوائل قرن دوم این بحث آمد که آیا این‌ها دارای قداست خاصی هستند کلام صحابه یا نه؟ عده‌ای قبول می‌کردند، عده‌ای هم نه، یکی از اشکالات بر ابوحنیفه همین است چون ابوحنیفه می‌گفت اگر صحابه مطلبی را از رسول الله نقل می‌کنند به قول ما علی الرأس و العین، اگر رأی خودشان است هم رجال و نحن رجال،

س: ولی قبول صحابی را بیشترشان حجت می‌دانند

ج: حجت غیر از این به اصطلاح کلام معصوم، بله چرا عده‌ای زیادشان مثل ابن حزم می‌گویند اگر اتفاق باشد بین صحابه، البته اتفاقی که ایشان تصویر می‌کند گاهی به دو نفر سه نفر از صحابه، می‌گویند فهذا قول صحابی مثلاً دوتا یا سه تا و لم یعرف لهم مخالف فصار اجماع این اجماعش خیلی زود درست می‌شود من معتقدم آن کلامی را که ابن حزم راجع به اجماع صحابه دارد بهتر بود تعبیر می‌کرد به فرهنگ بین صحابه یعنی یک تلقی بین صحابه بود نه اجماع مطلق که اقوال را جمع کرده باشند و اما صحابه واحد را حجیت برایش قائل بودند ابن حزم هم قائل نیست ابن حزم این را به عنوان فرهنگ، بله برای خبر صحیح حجیت قائل است بالاتر از حجیت قداست قائل است باز مشهور علمای اهل سنت قائل نیستند، چون آقای خوئی در مصباح دارند که خبر واحد حکم واقعی نیست کسی نگفته حکم واقعی، چرا ابن حزم قائل است اصلاً ایشان فرمودند کسی نیست ابن حزم می‌گویند

خبری که صحیح باشد این حکم قرآن دارد اصلاً مشمول آیه مبارکه انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون می‌خواهید بیاورید آیه در الاحکام به نظرم جلد یک یا دو؟ تصریح می‌کند که اگر سندش صحیح باشد این به حکم آیه است اصلاً، یعنی از اصطلاح حجت ما هم خیلی بالاتر دقت کردید و آنی را که حجت می‌داند غیر از خبر صحیح، تلقی صحابه به تعبیر بنده، خودش می‌گوید اجماع صحابه، من به نظرم می‌آید مرادش همین فرهنگ و تلقی باشد و اما قول واحد صحابی این را هم عده زیادی از اهل سنت می‌دانند ابوحنیفه هم که به شدت مخالف است، یک نقلی در کتاب مرحوم شیخ هم در رسائل می‌گوید که امام صادق فرمود لعن الله ابوحنیفه کان يقول قال علی کذا، اقول کذا این مطلب درست است این مطلب امام صادق صحیح است لیکن این خصوص امیرالمؤمنین نیست به کل صحابه می‌گفته این غرض این مطلب درست است، اگر می‌گفت و قال عمر باز هم می‌گفت و اقول،

س: این بخشش را تأیید کرده

ج: بله حضرت می‌خواهند بگویند که مثلاً کذا این مثلاً آورده در مقابل امیرالمؤمنین اما راجع به کل صحابه می‌گوید غرض روشن شد یعنی او اصلاً، یکی از طعون بر ابوحنیفه هم همین است اصلاً طعن بر ابوحنیفه چندتا طعن اساسی، چون مسلم است می‌گویم در این کتاب مقدمه نصب الرایه این کوثری که خودش حنفی است تصریح می‌کند و قد صحّ عن مالک، سند به مالک صحیح است که لم یولد فی الاسلام مولود اشم من ابی حنیفه، این نوشته قد صحّ، تعبیری که آن‌ها راجع به ابوحنیفه دارند، یا راجع به شافعی باز آنها راجع به شافعی هم دارد، یولد فی امتی رجل یقال له محمد ابن ادریس، هو اضرّ علی امتی من ابلیس، این را در مورد شافعی دارند این تعبیری که آنها راجع به ائمه خودشان دارند ما خودما راجع به آنها نداریم در روایات ما راجع به آنها نیامده تعبیری، بله این هست امام صادق فرموده که او می‌گوید قال علی و اقول، این درست هم هست یعنی مطلب امام صادق کاملاً درست است صحیح است لیکن خصوص امیرالمؤمنین نه کل صحابه، او حرفش این است که صحابه از رسول الله نقل بکنند

۵:۳

نقل نکردند رأی خودشان باشد هم رجال و نحن رجال ما لازم نیست مقید به حرف آنها باشم مضافاً به این که نقل کردند ازش چیزهایی که لوکان النبی حياً لاخذ بکثیر من اقوالی، اگر راست باشد دیگر خیلی،

س: خیلی اقتضاح است

ج: خیلی درجه، یک جواب‌هایی احناف دادند اما این مال مالک مسلم است لم یولد فی الاسلام مولود اشم من ابی حنیفه حالا به هر حال از بحث خارج نشویم پس این اصطلاح مدرج را جایی می‌گویند البته عبارت علوم حدیث ابن صلاح شهرازی را خواندیم در آنجا دارد که گاهی هم یک حدیث در حدیث دیگر می‌آید آن هم مدرج است، خب این‌ها می‌دانید آنچه که در کتب درایه الحدیث اول اهل سنت بعد هم مثل شهیدثانی بیشتر اصطلاحات است خیلی تأثیر مهمی ندارد در حجیت این اصطلاحات، به هر حال این حدیث مدرج این نیست که در ضمنش باشد بله گاهی مثلاً نقل کردند وقتی بخاری را می‌خواستند آزمایش کنند صدتا حدیث گرفتند، سند یکی را به متن یکی دیگر، متن یکی به سند دیگر، بخاری همه را درستش کرد گفت این متن مال این سند است، این سند مال این متن است همه را ارجاع داد جا به جا این را ادراج نمی‌گویند دقت کردید، این مثلاً تحویل سند یا این تعبیری، اما این که این مدرج باشد نه، مدرج این است که یک حدیثی را با سند نقل می‌کند یک متنی درش می‌آورد که در حدیث دیگر دارد سند دارد اما این جا آورده،

س: حدیث در حدیث است

ج: حدیث در حدیث است در ادراج این خصلت هست که و اگر ادراج نباشد کل کلام مال صحابی باشد آن را اصطلاحاً موقوف می‌گویند در،

س: اگر بخشی از کلام مال صحابی باشد یا

ج: آن بخشی باشد مدرج است

س: مدرج می‌شود، پس مدرج اعم از این است که حدیث در حدیث باشد، یا حدیث در غیر حدیث

ج: حدیث دیگری باشد ولو حدیث بوده ولو سند دارد،

س: نه حدیث نباشد هم نباشد چطور منظور این است آن‌که حدیث در حدیث قبول چیز دیگر

ج: کلام بله بله، اذا قلت هذا و قد تم الصلاة این کلام خود راوی بوده، دقت کردید در ادراج این نکته هست و در میان اهل سنت خوب دقت کنید یکی از مصیبت‌های بزرگشان تفریق بین موقوف و مرفوع است، مرفوع کلام صحابی است که از رسول‌الله نقل کرده موقوف کلام خود صحابی است بین این دو تا زیاد نقل اختلاف دارند و تقریباً یک قاعده‌ای گذاشتند که اگر حدیث در یک‌جا مرفوع آمد عن رسول‌الله باز با یک سند دیگر ظاهراً سند معتبر به خود صحابی باشد ترجیح را به این می‌دهند، گفت نتیجه تابع اخس مقدمات، می‌گویند موقوف است ثبت موقفاً مثل همین حدیث ما راہ المسلمون حسن، خب عن رسول‌الله هم دارد عبدالله ابن مسعود لیکن چون از خود عبدالله ابن مسعود هم آمده یک ذیلی هم دارد که خداوند در قلوب اصحاب رسول‌الله قرار داد که اختیار ابوبکر بکنند می‌گویند صحیحش این است که این حدیث موقوف است این حدیث مرفوع نیست عن رسول‌الله نیست حالا این مطلب در میان اهل سنت.

در میان ما چون این مطلب نبوده یعنی ما آنچه که داریم در میان ما به جای موقوف مضمّر داریم مثلاً عن سماعه قال که معلوم نیست قائل که است؟ ما اصطلاح مضمّر داریم و نمی‌دانیم آیا کلام است یا کلام راوی؟ اما موقوف نداریم،

س: سئله

ج: سئله داریم یا مثلاً قال داریم، مضمّر داریم آن وقت آن را هم بحثی داریم ما که آیا احادیث مضمّر در حکم اسناد است یا اسناد نیست؟ اصلاً حدیث هست یا حدیث نیست؟ اسناد باشد کنار، آیا اصلاً حدیث اشتباه کردم اسناد را آیا اصولاً حدیث هست یا حدیث نیست؟ مفصل بحث دارند و وجوهی هم نوشتند نه یک وجه واحد،

س: بعضی تفصیل دادند بین

ج: بله بهترین وجهش شاید این باشد چون این را در کتبی آوردند که معدّ برای نقل احادیث است پس حدیث است، مثلاً در کتاب کافی آمده و شأن ایشان اجلّ است از غیر معصوم نقل بکند، وجوهی نقل شده شاید مثلاً شهرش بین متأخرین فعلاً این باشد که این حدیث مثلاً در کتاب کافی آمده که معدّ است برای نقل حدیث پس این حدیث یعنی پیش قدمای اصحاب حدیث بوده حالا من یک مثالش را نقل بکنم که بد نیست این حدیث محمد ابن مسلم حرّیز یعنی یاسین ضریس عن حرّیز محمد ابن مسلم، چون محل ابتلا هم هست در این‌که طواف باید مقام ابراهیم و بیت باشد این حدیث واحد است که در به اصطلاح کتاب

کافی هم آمده، عرض کردیم در اوائل قرن چهارم این دو بزرگوار دست به تنقیح و تصحیح زدند مرحوم کلینی این حدیث را قبول کردند که شما باید در حدود بین مقام، در بین مقام و به اصطلاح دیوار کعبه باشد،

س: مقام معلوم است کی از کعبه جدا شده؟

ج: می‌گویند زمان عمر جدش کردند حالا به هر حال حالا فعلاً در این جا چون در روایت این تأیید شده و روایت دیگری داریم که می‌گوید نه هر جا بود دورتر هم شد اشکال ندارد این را صدوق انتخاب کرده یعنی صدوق اولی را نیاورده، کلینی دومی را نیاورده، صدوق را هم اگر بزنیم به ابن الولید یعنی اختیار ابن الولید یعنی در، بله در بابش دوتا روایت است

س: باب حدّ موضع الطواف جلد چهار صفحه چهار صد و سیزده

س: کافی؟

س: کافی بله،

ج: نه از وسائل ببینید دوتاست حدیث دومی را هم دارد حالا مال کافی را بخوانید

س: از خود کافی بخوانم بعد محمد ابن یحیی و غیره عن محمد ابن احمد عن محمد ابن عیسی

ج: محمد ابن احمد عرض کردیم کراراً مرحوم کلینی آنی که اسم برده از دو نفر از صاحب نوادرالحکمه یکی احمد ابن ادریس اشعری یکی محمد ابن یحیی استادش، و هر دو هم جلیل القدر هستند و ظاهراً و العلم عند الله باید گفت مشهورترین نسخه نوادرالحکمه هم همین بوده، مشهورترین نسخه‌ای که پیش کلینی بوده چون عین این دوتا پیش کشی هم هست، چون نوادرالحکمه یک بابی داشته مناقب الرجال الآن از آن باید شاید در حدود چهل، پنجاه تا حدیث در کشی آمده، از همان محمد ابن احمد، این قدیم‌ترین یکی از مصادر قدیمی ما در رجال است، بهش توجه ما، این را در بحثی که خدمت آقای مختاری داشتیم روشنش کردیم امرش را توضیح دادیم نسخه‌ای از این به کش و سمرقند رسیده مرحوم کشی، علی ای حال ایشان هم از محمد ابن یحیی و به نظرم بیشتر از احمد ابن ادریس نقل می‌کند حالا این غیره است یا محمد ابن ادریس است یا مشایخی که در قم بودند عده‌ای از مشایخ که در قم بودند، چون مشایخ دیگر هم از این کتاب نقل کردند، مثلاً مرحوم کامل الزیارات از شخصی به نام محمد ابن الحسین ابن المتّ الجوهری این حالا من بعدی‌ها به فکر رسید که این متّ باید اسم فارسی باشد متّ، چون هم متّ در این جا داریم، هم متیل داریم هم متویه داریم ما چندتا متّ داریم می‌متّه این احتمال می‌دهیم اسمی در مثلاً فارسی قدیم قم بوده مثلاً متعارف بوده الآن من الآن نمی‌توانم درست تشخیص بدهم که این کلمه چه است؟ حالا مگر به کتب لغت مراجعه بشود،

س: عربی معنی دارد متّ با تی دو نقطه دیگر؟

ج: متّ با تی دو نقطه، نه متّ یعنی چه؟

س: در عربی می‌گویند لایمتّ بهذا یعنی این که ارتباطی با آن ندارد،

ج: متّ است متّ نیست نه آن

س: با تی دو نقطه،

ج: نه آن فعل است متّ یمّ اصلاً لایتمّی

س: یک کتابی نوشتند عربی مثلاً می‌گوید ذی القرنین لایمتّ

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۵

جلسه: ۶۵

س: بله یعنی لایتنسب

ج: لایتنسب بله، مت تنها نداریم

س: این مصدرش است دیگر

ج: نه بعید است، محمد ابن الحسین ابن مت الجوهری عن محمد ابن احمد ابن قولویه توسط ایشان نقل می کند علی ای حال وارد این بحث نشویم فعلاً باشد این سندش تا صاحب نوادرالحکمه خوب است احتمال دارد مرحوم البته ظواهرش خلاف ظاهر است شاید، حالا چون یک نکته فنی است این را هم الآن عرض بکنم دیگر حالا چون دیگر فعلاً یک کمش هم به متن بر می گردد البته متن سند نه متن حدیث بفرمایید،

س: در ابن سده در محکم و محیط در مورد متته همان طور که حاج آقا فرمودند مت را آورده می گوید و مت اسم و متا ابویونس سریانی،

س: بله

ج: اسم سریانی است

س: متا را عرض کردم

س: متا را می گوید

ج: می دانم

س: قبل از آن مت را هم گفته

ج: اسم است من می گویم اسم چه است؟

س: مت، الا ان المت یوصل بقراءة و داله بله یمت بها

ج: و یمت اما این متیل داریم متویه داریم البته اگر متویه بخوانیم، متویه بخوانیم متویه داریم واضح است مثل سیبویه متویه داریم ما متیل هم داریم که اصلاً نمی دانیم چه جور؟ بعضی ها متیل ثبت کردند بعضی ها هم متیل نمی دانیم آن کلمه را هم چه جوری بخوانیم علی ای حال

س: بعد هم این مدل و

ج: یک اسمی به نظر من فارسی قدیم می آید چون یکی از عجایب این است که این خود قم و اطراف اسماء باستانی عجیب مثلاً جمکران، کران ناحیه، جمع هم جمشید اصلاً قیافه اش نمی خورد به ناحیه جمشید باشد ناحیه پادشاهان، جمکران ناحیه جمشید دیگر، خیلی بهش نمی خورد به این دهی که این طوری، مثلاً این آقا نوشته یک جایی هست بعد از کهک به نام قباد بزن بهش می گوید ایشان می گوید این اسمش قباد یعنی کباد و بژن بوده یک دهی از همان نزدیک های به اصطلاح ورجانه، به اسم ورجان به اسم سیروم می گوید این شیرویه بوده پسر خسرو اسم های عجیب و غریب است یعنی اسم های پادشاه، اصلاً به این دهات این جا همچون نمی خورد همچون اسم های عجیب و غریب حالا این مت یک متیل و متویه، متویه خب اسم فارسی است واضح است فارسی است مثل سیبویه یا متویه بفرمایید

س: عن محمد ابن عیسی عن یاسین ضریر عن

ج: ببینید دقت کنید یک بحثی هست چون خیلی این بحث لطیف است من خیلی اشاره بگویم که رویش بعدها کار بکنید، مرحوم ابن الولید استثناء کرده از همین کتاب نوادرالحکمه ماکان عن محمد ابن عیسی باسناد منقطع، دقت کردید از همان زمانی که ایشان گفت بعدها اصحاب ما اختلاف، مرحوم ابن نوح استاد نجاشی گفت که لقد اصاب شیخنا ابن الولید الا در محمد ابن عیسی، چرا در ایشان گفته؟ مرحوم آقای شیخ طوسی از این عبارت فهمیده که تضعیفش کرده لذا ایشان می گوید محمد ابن عیسی بغدادی ضعیف استثناء القمیون من نوادرالحکمه از این عبارت بعدها بحث شدند که در این عبارت چون مرحوم ابن الولید استثنای که دارد یا مطلق است که بیشترش مطلق است، بیست و یک، بیست و دو حالا با اختلاف عدد، دوتا استثنایش قید دارد یکش ایشان است محمد ابن عیسی باسناد منقطع یکش هم لؤلؤی است ماینفرد به، بقیه هم ماکان عن سهل ابن زیاد و همین جور اسم آورده، این ها آمدند گفته آن جایی که قید دارد غیر از آنجایی است که مطلق آورده، آن جایی که مطلق آورده می شود فهمید ازش تضعیف است این اشکالش سر اسناد منقطع است دقت کردید، آن وقت از طرف دیگر گفتند مرحوم ابن الولید گفته که روایات یونس را یا روایات محمد ابن عیسی از یونس قبول نمی کنیم دقت کنید این چون خیلی بحث بر انگیز شده و بزرگان و سر و صدا و این ها اولاً این که مرحوم شیخ طوسی تضعیف فهمیده خلاف قاعده است بلکه می توان گفت البته کسی نگفت می توان گفت آن جایی هم که استثناء مطلق است آن جا هم تضعیف فهرستی است رجالی نیست این تضعیف رجالی که ما می خواهیم در نمی آید لیکن مشهور بین علمای ما تضعیف رجالی گرفتند عرض کردم شیخ طوسی با جلالت قدرش حتی این را هم تضعیف رجالی گرفته، تصریح می کند، محمد ابن عیسی بغدادی یونسی ضعیف، استثناء القمیون من رجال نوادر تصریح دارد، با این که ایشان دارد باسناد منقطع، از آن طرف آمدند گفتند مراد از اسناد منقطع هم این است که ایشان یونس را درک نکرده و ایشان سنش نمی خورد که از یونس نقل بکند اسناد منقطع زدند به روایت ایشان از یونس یک نکته ای را خوب من، امشب این بحث را باز کردم نمی خواهم الآن طولانی صحبت کنم چون احتیاج به شرحی دارد یک اشتباهی بین این آقایون رجالی ما اخیراً پیدا شده که منشأ این اوهام شده، راجع به مرحوم ابن الولید راجع به محمد ابن عیسی دوتا مطلب دارد این دوتا را با همدیگر ربط داده این غلط است اصلاً، یک مطلب در نوادرالحکمه است، ماکان فیه عن محمد ابن عیسی باسناد منقطع، این درش اسمش یونس و این ها ندارد عن محمد ابن عیسی باسناد منقطع

س: آنها قبول نمی کند،

ج: این را قبول نمی کند نه مطلق محمد ابن عیسی

س: باسناد منقطع

ج: باسناد منقطع را قبول نمی کند دوم مطلب دوم وقتی مرحوم شیخ طروق اصحاب را به به اصطلاح یونس می نویسد می خواهید عبارتش را بخوانید،

س: شیخ خب قبلش شاید ابن نوح هم همین را فهمیده بود دیگر

ج: نه ابن نوح می گوید لا ادری ما رابه فیه

س: بعد می گوید لانه کان علی ظاهر العداله و الثقه

ج: بله، این نه، ملتفت آن هم ملتفت نشده، یک عده ای نوشته این حرف را این راه نفهمیده حالا توضیحش را

س: عین حرف شیخ طوسی نیست

ج: نه خیر نه، ما رابه فیه این رابه به این معنی چون ابن الولید گفت اسناد منقطع می گوید شما از کجا می گوید منقطع است، ریب شما از کجاست؟ این ها از کلمه کان علی ظاهر العداله و الثقه چاپ کردند اسم نمی برم این معلوم می شود که این رجالی است نکته رجالی است ملتفت نشدند نکته فهرستی است، شیخ طوسی گفت ضعیف استثناء القمیون، این ها ملتفت یک ظرافت، مجبوریم ما راجع به سند هم گاهی اوقات گیر، در متن بیاید به خاطر مشکلاتی که در عبارت است، ما رابه فیه ریبش از کجاست چرا آمده گفته محمد ابن عیسی اسنادش منقطع است؟ چون ایشان که ظاهرش عدالت است بعد هم کلمه عن آورده بنابراین که عنعنه هم مساوق با اتصال است پس ظاهرش این است که ایشان اتصال دارد چرا منقطع باشد؟ چه اسناد منطعی دارد؟

س: عبارت چیز را آوردم، فقط این که فرمودید که از نجاشی بود مال اسناد منقطع، این از فهرست شیخ طوسی فرمودید باب یونس یونس ابن عبدالرحمن آخر ترجمه بعد از این که

ج: می گوید طروق، می گوید قال ابن الولید کتب یونس ابن عبدالرحمن التی هی بالروایات بخوان عبارت را

س: قال فقال ابوجعفر ابن بابویه سمعت ابن الولید رحمه الله یقول کتب یونس ابن عبدالرحمن التی هی بالروایات

ج: بالروایات یعنی نسخ، نه کتاب هایش پر از روایت است، فتوا درش نیست، نسخ مختلف دارد روایات در این جا نسخ است این نسخی که از کتاب ایشان هست، کلها صحیحه یعتمد علیها بخوانید بخوانید

س: کلها سیاتی معتمد علیها الا ما ینفرد به محمد ابن عیسی ابن عبید عن یونس

ج: این اسناد منقطع را زدند به این، این مربوط به یونس است ربطی به آن نوادر الحکمه ندارد اصلاً معلوم شد، گفتند چون ینفرد آنجا هم گفتند اسناد منقطع، پس اسناد ایشان به یونس منقطع است، بعد هم گفته، ظاهر

۳۶: ۲۰

ایشان ثقه است پس مثلاً ملتفت نشد،

س: چه قرینه ای دارید که این روایات یعنی نسخه؟ جای دیگر هم

ج: زیاد، چند دفعه خواندیم چند دفعه خواندیم

س: یعنی کتبی که نقل می کند

ج: نقل می کند و درست هم هست حرف ابن الولید درست است آن وقت در یک جایی دیگر طروق را نوشته، قبلش اسم می برد س: قبلش طروق را

ج: بله،

س: اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته جماعه

ج: جماعه شیخ طوسی عرض کردیم در فهرستش ابن به اصطلاح ابن الهاشر هست ابن عبدون، ابن غضائری پدر هست حسین ابن عبیدالله، شیخ مفید این غیر از جماعت جای دیگر است، در این جا این مشایخ، بله آقا؟

س: جمیع کتب و روایاته

ج: روایات، کتب یونس تألیفاتش روایات چیزهایی که او نقل می کند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۸

جلسه: ۶۵

س: کتب

س: نه می دانم

ج: دقت کردید، ایشان می گوید از کجا، این هم یک اشاره دیگر اخبارنی بجمع کتب و روایات جماعه من اصحابنا عرض کردیم جماعه در فهرست شیخ این ها البته من نگفتم این که حالا مرحوم سیدبحرالعلوم هم در فوائد رجالیه اش دارد اسم می برد که مراد از جماعت این ها هستند ابن الهاشر هست ابن غضائری پدر هست و مرحوم شیخ مفید، بفرمایید

س: بخوانم این جا را

ج: بخوان

س: جماعه عن ابی جعفر ابن بابویه

ج: بر می گردد به شیخ طوسی، شیخ صدوق، چرا؟ چون شیخ صدوق پنجاه و دو، پنجاه و سه، پنجاه و چهار، پنج دوبرار مجموعاً کوفه آمده، سه صد شیخ مفید هم تمام این ها از او اجازه گرفتند این سه نفری که اسم بردم از مرحوم صدوق اجازه گرفتند، پس این هم درست است یعنی تاریخش و جغرافیایش همه اش مرتب است

س: همین که سمع منه مشایخ الطائفه و هو حدث السن

ج: و هو حدث السن، بعد باز یک عده ای نوشتند این معلوم می شود اصطلاح رجالی است و الا ایشان در حدود پنجاه سال عمرش بوده چه است حدث السن؟ عبارت شیخ، مرحوم چیز را بیاورید، دیگر این را هم ایشان گفتند دیگر مجبور شدیم باز دو مرتبه، عبارت نجاشی را در صدوق بیاورید محمد ابن علی ابن الحسین

س: اطراد در اطراد

ج: بله دیگر چه کار کنیم، متن وقتی گیر می کنیم حالا

س: مدرج هم داریم

ج: مدرج است دیگر عملاً هم مدرج شد چون آقای مختاری کار را مشکل کرد، چون این هم یکی از جاهای غلط است آخر، این هم چون باز اشتباه شده، به خاطر این که تصحیحش بکنند بله بیاورید آقا، دخل بغداد سنه فلان، محمد ابن علی ابن الحسین ابن بابویه قمی ابوجعفر، یک نکته دیگر هم بگوییم حالا چون متن است،

س: بله محمد ابن

ج: در کتاب های تاریخی یا جایی که می خواهیم نقل بکنیم کنیه را اول بیاوریم و قدم الکنیه فلان، ابوجعفر، اما در این کتاب های تراجم کنیه را آخر بیاورند، محمد ابن علی ابن الحسین ابوجعفر، این هم یک نکته دیگر بابی، اگر می بینید کنیه را آخر می آوردند اما وقتی می گوید و قال ابوجعفر محمد ابن علی ابوجعفر را اول می آورند بفرمایید،

س: و نجاشی دیگر درست است

ج: بله، بالاخره بغداد

س: محمد ابن علی ابن حسین الی آخره نزیل الری شیخنا و فقیهنا وجه الطائفة خراسان و کان ورد بغداد سنه الخمس و الخمسين ثلاثة مائة

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۶۵

ج: پنجاه و دو هم هست پنجاه و سه هست بله،

س: سمع منه الشیوخ الطائفه و هو حدث السن

ج: این گفتن این خیلی حرف ایشان عجیب است چون سه صد و پنجاه و پنج شیخ صدوق مرد بزرگی است چهل، پنجاه سال عمرش است چرا گفته حدث السن؟ جوان بود این را خوب دقت کنید این را برداشتند عطف به آن گرفتند این عطف نیست جمله مستقل است می خواستم این را بگویم دخل بغداد سنه فلان بعد یک کلام دیگر

س: نقطه سر خط

ج: نقطه سری، روشن این که می گفتم به خاطر آقای مختاری امشب بحث ما را بهم زدند ادراج

س: حدیث

ج: دارد خودش صحبت می کند، و سمع منه این کلام ابتدای کلام است این ها برداشتند زدند گفتند،

س: بغداد،

ج: نه به بغداد، نه در بغداد و هو حدث السن، این ها زدند به کلمه بغداد، یک نکته دیگر سمع منه شیوخ اصحابنا و هو حدث السن، دقت کردید این ربطی به آمدنش به بغداد ندارد این هم حالا بفرمایید حالا برگردید به،

س: پرائنز بسته شد

ج: پرائنز بسته شد، ادراج اول تمام شد، این هم چون آقای مختاری ما را می گفت که بکت

۲۵:۰

لی البكاء حالا ایشان ما را به تحریک آورده چون این اشتباهات عجیب و غریبی دارد می شود من مجبورم هی یکی یکی اینها را توضیح بدهم که نکات فنی اش روشن بشود، بفرمایید

س: صدر من امله و وقع

ج: وقع فی بطنه، خبرنا به جماعه من اصحابنا بجمع کتبه و روایاته بخوانید عن ابی جعفر ابن بابویه عن محمد ابن الحسن و عن احمد ابن محمد ابن الحسن عن ابیه عنه، عن احمد ابن عطف است به خود صدوق، یعنی شیخ مفید از پسر ابن الولید، ابن الولید اسمش محمد است، محمد ابن الحسن ابن الولید است پسرش احمد است این را الآن نمی شناسیم ایشان هم بغداد آمده دقیقاً این را هم نمی دانیم کی است؟ شیخ مفید آثار ابن الولید را از این راه هم نقل می کند یعنی معلوم شد، شیخ مفید از دو راه به ابن الولید می رسد یک صدوق عن ابن الولید یکی پسر ابن الولید به ابن الولید روشن شد سند را چه جوری بخوانید و عن احمد ابن محمد

س: نه این جا دارد عن محمد ابن احمد عن محمد ابن عیسی

س: شیخ طوسی

س: شیخ طوسی منظورتان است

س: کلینی بود یا شیخ طوسی

ج: شیخ طوسی الآن، نه از مفید گفتم سند را از اول بخوانید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۱۰

جلسه: ۶۵

س: اخبارنا بجمع کتبه و روایاته جماعه عن ابی جعفر ابن بابویه عن محمد ابن الحسن و عن احمد ابن محمد ابن الحسن عن ابیه،

ج: این احمد دومی است دیگر پس ابن الولید است، این احمد پسر ابن الولید است یعنی شیخ، من

س: محمد است، پسر ابن الولید است، یک خرده اسم جا به جا شده

ج: من گفتم محمد ابن الحسن ابن الولید، پسرش احمد است محمد ابن الحسن ابن احمد ابن الولید اسم کاملش این است اهل قم هم نبوده نمی دانم حالا از کجا آمده؟ ظاهراً ایرانی الاصل باشد ایشان پسرش احمد است، شیخ مفید مقدار زیادی آثار ابن الولید را توسط پسر ایشان نقل می کند و این هم محل خدشه هم هست عده ای که رفتند گفتند باید توثیق بشود گیر کردند می گویند سند ضعیف است گاه گاهی بعضی از اسانید که خیلی مشهور است می گویند صحیح در سندش این احمد است،

س: ضعیف آن موقع

ج: تضعیف نشده، توثیق نشده،

س: توثیق نشده

ج: جهالت به اصطلاح، لیکن جزء مشایخ حسابش کرده شیخ مفید از او نقل می کند،

س: مفید وقتی از او نقل می کند

ج: بله دیگر حالا همان حرف هایی که هست این این و هم می گوید آن و هم می گوید، هردو دو طرف را می گویند جمع شکسته خوانند قومی نشسته دانند حالا بالاخره این طرف آن طرف هردو طرفش هست بفرمایید، بر می گردد به دو طریق به ابن الولید یکی پسر ابن الولید احمد، یکی هم صدوق محمد ابن علی ابن الحسین بفرمایید، عن ابن الولید عن ابیه

س: عن ابیه عنه

ج: عنه؟ یعنی چه الآن؟

س: از فهرست دارید می خوانید؟

س: از

۴۶: ۲۷

دارم می خوانم خود فهرست را باز یعنی یک چاپ دیگر باز می کنم

ج: عنه ایشان که از یونس نقل نمی کند یونس یعنی چه؟

س: چیز را باز می کنم

ج: شما درست بخوانید

س: من نرفتم در بدایه،

س: فهرست

س: این که الآن بود که من خواندم،

۸: ۲۸

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۱۱

جلسه: ۶۵

ج: طباطبائی، اخبارنا جماعه من اصحابنا عن ابی جعفر عن محمد ابن احمد و عن احمد ابن محمد عن ابیه این سند دوم است،
س: عذر می خواهم صفحه چند بود؟

س: این در مکتبه اهل بیت است صفحه دویست و شصت و شش
س: جلد یک

ج: آخرهایش است دیگر نه باید آخر اگر دو جلد است آخر جلد دو باید باشد
س: در چاپ آقای چیز هم همین است یونس ابن عبدالرحمن اخبارنا بجمع کتبه و روایاته جماعه عن محمد ابن علی ابن
الحسین عن محمد ابن الحسن و عن احمد ابن محمد ابن الحسن عن ابیه
ج: خیلی خوب

س: و اخبارنا ابن ابی جید این جا عنه ندارد
ج: و اخبارنا این هم راه دیگری است این اصطلاحاً علو اسناد است، یک نفری بوده در قم ظاهراً اسمش ابوجید شاید گردش
بلند بوده نمی دانم گردن دراز، مثلاً یک چیزی شبیه این، اسمش ناصر است این نوه آن است،
س: ابن ابی جید

ج: ابن جید نوه آن است بهش می گفتند ابن ابی جید، این ببینید امتیاز این طریق سوم، این هم یک طریق سوم این خود شیخ
طوسی از ابن ابی جید، امتیاز این طریق سوم این است که قرب اسناد چون اول شیخ طوسی به دو واسطه از ابن الولید نقل می کرد
مفید، صدوق، ابن الولید بعد مفید پسر ابن الولید، ابن الولید این دو واسطه شد، طریق سوم به یک واسطه ابن ابی جید عن ابن
الولید این دارد طروق خودش را با آثار ابن الولید نقل می کند شیخ طوسی روشن شد سه طریق شد تا این جا به کتب ابن الولید،
نمی دانم مطلب را ابن ابی جید است حالا این قدر من ابن ابی جید دیدم حالا اسمش را یادم رفت فعلاً حالا بخوانید شاید یادم
بیاید علی ابن الحسن

س: ابی جید نیست

ج: آقای خویی همیشه ابن جید می خواند

س: و اخبارنا ابن ابی جید

ج: اخبارنا قائلش شیخ طوسی است، یعنی برگشت به اول جماعتان برگشت به جماعه این عطف است بر جماعه، بفرمایید
س: چاپ آقای بحر العلوم بعد از احمد ابن محمد ابن حسن عن ابیه یک عنه دارد اما چاپ آقای چیز

ج: اشتباه است، نه اشتباه است خب

س: اخبارنا ابن ابی جید عن محمد ابن الحسن عن سعد ابن عبدالله و الحمیری

ج: این دوتا

س: و علی ابن ابراهیم و محمد ابن الحسن الصفار

ج: این سه تا

س: عن ابراهیم ابن هاشم عن اسماعیل ابن مرار و صالح ابن سندی عن

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۱۲

جلسه: ۶۵

ج: ببینید این‌ها راه ایشان یکی اسماعیل ابن مرار الآن داریم ما، یکی صالح ابن سندی که عرض کردم محمد ابن سندی و علی ابن سندی این برادر آنهاست یعنی صالح ابن اسماعیل ابن عیسی اشعری قمی پسر عموی احمد است ایشان راوی کتاب یونس است، داریم الآن در کافی هم داریم که اسماعیل ابن مرار نسبتاً در کافی بیشتر است در کافی داریم در صالح ابن سندی داریم این دوتا، نسخ کتاب یونس ابن عبدالرحمن تا این‌جا دوتا، اسماعیل ابن مرار و صالح ابن سندی دیگر،

س: بله، من دارم چندتا چاپ را باهم، و رواه محمد ابن علی ابن الحسن

ج: صدوق

س: عن حمزه ابن محمد العلوی و محمد ابن علی ماجلویه عن علی ابن ابراهیم این‌جا ایشان را در بعض از نسخ هست در بعضی نیست عن ابیه عن اسماعیل و صالح

۳۵: ۳۱

ج: این هم دو راه دیگر دوتا دیگر به صالح ابن سندی و اسماعیل مرار به یونس لیکن از طریق شیخ صدوق غیر از این طریقی که به ابن الولید بر می‌گردد، احتمالاً این از فهرست صدوق باشد ایشان فهرست هم دارد، فهرست ابن الولید بفرمایید

س: بله، و اخبارنا ابن ابی جید عن محمد ابن الحسن عن الصفار عن محمد ابن عیسی ابن عبید عن یونس

ج: این سومی محمد ابن عیسی از صفار، مرحوم کلینی بیشتر از علی ابن ابراهیم عن محمد ابن عیسی دارد این سه‌تا، آن دوتا آنجا بود این هم یکی سه‌تا دیگر بخوانید

س: تمام شد قال محمد ابن علی ابن الحسن همان که عرض کردم

ج: چرا ما ینفرد به

س: سمعت محمد ابن الحسن ابن الولید یقول کتب

ج: کُتب

س: کُتب الی یروی الروایات کلها صحیحہ یعتمد علیها الا ما ینفرد به محمد ابن عیسی ابن عبید و لم یرویه غیره فانه لایعتمد علیه و لایفتی به

ج: اینها آن اسناد منقطع که در نوادر بود به این زدند هیچ دلیلی برایش وجود ندارد در حقیقت ایشان دوتا استثناء کرده نه یک استثناء

س: وجه دیگری نمی‌ماند برایش دیگر چون وقتی دارد می‌گوید این را استثناء می‌کند از آن ور که این هم فردی هست که ثقه هست و دارای عدالت است،

ج: معلوم نیست اگر مسأله انقطاع باشد یعنی ایشان درک نکرده همه‌اش

س: جور دیگری نمی‌شود فرض کرد

ج: چرا نسخه شاذ را نقل کرده، اگر انقطاع باشد که کلاً محل اشکال است چه آنهایی که با دیگران هم تطابق دارد،

س: دارد از این نقل می‌کند

ج: می‌کند اما خب خیلی‌هایش مشترک است آنی که مشترک است خب اصلاً از آن هم نباید نقل کند، از این‌که خصوص منفردات را استثناء کرده اشکال رو محمد ابن عیسی دارد، اشکالش به خاطر این افراد است نه به خاطر و لذا مرحوم صدوق در کتاب فقیه از محمد ابن عیسی نقل می‌کند، از یونس هم نقل می‌کند از غیر راه محمد ابن عیسی، البته از یونس کم نقل می‌کند، در خصال و این‌ها از محمد ابن عیسی از یونس نقل می‌کند آنهایی که مصنفات است یعنی دقیقاً حرف استادش را در نظر گرفته و ما توضیح دادیم روایاتی را که محمد ابن عیسی نقل کرده ایشان درش شبهه‌ای مثلاً یک نوع موافقت با عامه، شواهد کتاب و سنت یک چیزهایی که آرای خود یونس درش متجلی شده، نتوانسته به یونس بد و بی‌راه بگوید به محمد ابن عیسی انداخته و بقیه نقل نکردند، چون به هر حال یونس یک اتهام قیاس و این‌ها هم دارد بله در آن قصه‌ای که مال مسکر هست، یک روایتی در باب مسکر می‌گوید می‌رفتیم با یونس که برویم مسجد بعد آن شراب فروش دکانش را باز کرد، شراب رو لباسش است گفت بروم خانه بشورم بعدش که این نجس است، گفتند هذا شیء رویته ام شیء رأیته؟ رأیت از قیاس گفتی یا روایت است؟ غرض این اشکال دارد، من

س: اختلاف‌شان با فضل ابن شاذان

ج: اختلافی، این یونس اشکال دیگر دارد اصلاً ربطی، مرحوم محمد ابن عیسی از یونس روایتی نقل کرده منفرد به این جهت می‌گوید منفردات است نه این‌که چون آن را ندیده توجه نشده عرض کردم اصلاً توجه نشد، دیگر عرض کردم حالا ما امشب چون یک کمی خارج شدیم اما چون خیلی فوائد دارد روش کار بشود و اما در کتاب نوادرالحکمه اشکالش این است که اگر یونس از این آقا نقل، نه یونس اشکالش این است که محمد ابن عیسی نقل می‌کند ثابت نیست پیش من این آقا را درک کرده، اگر باشد کتابش می‌شود دیگر، چون اگر اسناد منقطع شد یعنی وجاده است، روشن شد چه می‌خواهم بگویم

س: ثابت نباشد چرا به ظهور عنعن توجه نکرده،

ج: خب همین حرف ابن نوح ایشان می‌گوید نه روشن نیست ایشان یکی همین حدیث است عن محمد ابن عیسی عن یاسین ضریر عن حریز ظاهرش این است که یاسین ضریر حریز را درک کرده، حریز ظاهراً زمان امام صادق فوتش است یعنی شهید می‌شود یعنی یاسین ضریر جزء اصحاب امام صادق است محمد ابن عیسی از او نمی‌تواند نقل کند این را هم تا حالا آقایون چون این مطلب را تا حالا نگفته بودند، اسناد منقطع یعنی روایاتی که در کتاب نوادرالحکمه هست دقت کنید ربطی به یونس ندارد، روشن چه می‌خواهم بگویم روایاتی که در نوادرالحکمه است و اسنادش منقطع است اما مال یونس افراد است نه اسناد منقطع روشن شد، یعنی نسخه‌ای از یونس نقل کرده کس دیگر نقل نکرده این افراد است این اسناد منقطع نیست اصلاً اشکال ابن نوح می‌گوید آقا محمد ابن عیسی که ثقة هست اگر گفت عن یاسین پس درکش کرده و من فکر می‌کنم حق با ابن الولید باشد معلوم نیست درک کرده باشد یاسین ضریر را یک اشکال دارد،

س: همین من دارم سؤالی این جور عرض کنم

ج: مشکل کار

س: یک معلوم نیست داریم و یک ظهور

ج: نمی‌خورد به طبقات نمی‌خورد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۴

جلسه: ۶۵

س: آن عنعن مقدم بشود

ج: نه نمی‌توانیم قبول کنیم چون می‌گویم چون این مشکلی که در کار بوده، ظاهر چون حریر دارد که حج مشرف شد امام راهش ندادند چون این در سجستان بود خودش کوفی بود، سجستان آن وقت جماعتی هم داشت اینها با، خوارج در سجستان حاکم بودند شرایط به اصطلاح خوارج، اینها شنیدند که بعضی از خوارج سبّ امیرالمؤمنین می‌کنند دست به ترور زدند سیزده‌تا از خوارج را ترور کردند، بعد حریر آمد حج حضرت راهش ندادند بعد، تا این روایت فضل ابن عمار، ما للرجل ان یعاقب مملوکه قال علی قدر ذنبه قلت انک عاقبت باکثر من ذنبه چرا حریر را راه ندادی حضرت اما علمت ان حریراً شهر السیف این کار مسلحانه انجام داده، اما علمت حریراً شهر السیف آقای خویی هم دارد این مطلب را لیکن من حالا یک نکته دیگری،

س: آدم انقلابی هم بوده

ج: این روایت یک ذیلی دارد که در کتاب آقای خویی ندارد، یکش هم به آقازاده مامقانی عرض کردم که در کتاب، گفت من راجع به حریر نوشته بودم نه این نوشته این در کتاب آقای خویی چون این روایت به این مقدار در کتاب کشی آمده، هم تنقیح، هم قاموس، هم کتاب آقای خویی این را دارند که ان حریراً شهر السیف لیکن یک ذیلی دارد در این کتاب‌های رجالی نیست اصلاً این هم خیلی عجیب،

س: در کافی است، در کافی هم دارد شهر السیف

ج: در کافی هست این توجه به کافی نشده چرا؟ چون اواخر کافی ابواب الحدود بابن النوادر دارد در کافی سندش هم صحیح است، علی ابن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي عن الفضل ابن عبدالله، فضل ابن عبدالله از ثبات است،

س: عن ابی العباس

س: ذیلش چه است؟

ج: و لیس منی من شهر السیف، این آقایون دیگر نرسیده نقل بکنند، خیلی عوض می‌کند، اما علمت ان حریراً شهر السیف حالا می‌گویم تا این جایش را نقل کرده و لیس منی من شهر السیف البته شهر السیف در داخل جامعه اسلامی نه با قتل کفار و اینها س: شامل زید هم می‌شود که

ج: بله بله خب زید هم یکی از اشکالاتش همین است خب، و لیس منی، آن وقت دارد که حریر که برگشت به سجستان، خوارج دیدند عددشان کم شده، اول خیال کردند سنی‌ها آنها را کشتند بعد دیدند شیعه آنها را کشته، یک شب که حریر با اصحابش در مسجد بود مسجد را رویشان خراب کردند زنده زنده همه را دفن، زنده بله گفتم شهید برای همین جهت، یعنی امام صادق می‌دانست اگر حریر احترام می‌کردند خوارج فردا متعرض خود امام صادق می‌شدند، می‌گفتند این کار شماسست، اما علمت ان حریراً شهر السیف،

س: چرا شهید می‌گویید

ج: برای این که خوارج کشتند دیگر ما از که بخواهیم،

س: شیعه را کشتند

س: امام بهش گفت لیس منی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۵

جلسه: ۶۵

ج: خب یعنی

س: امام تقیه کرد

ج: بنابراین که مثلاً سابّ اهل البیت احتیاج به حکم ندارد دیگر خودش می شود احتیاج بابا شهید است

س: خوارج که

ج: نه این عبارت مشعر به این است، این عبارت مشعر به این که این کار در زمان امام صادق شد دیگر خب ظاهرش این طور است دیگر نیست؟ آن وقت یاسین ضریر ایشان را درک کرده این از اصحاب امام صادق است، دقت کردید، محمد ابن عیسی نقلش از یک کسی این جوری خیلی بعید است و آنچه ما از یاسین ضریر داریم محمد ابن عیسی، بعضیهایش احمد ابن محمد ابن عیسی این هم اشتباه است اصلاً یاسین ضریر ما معلوماتی ازش نداریم کتابی داشته رویش هم محمد ابن عیسی است،

س: عجب

ج: یاسین ضریر را بیاورید اصلاً کتاب دارد ایشان، کتابش هم رویش محمد ابن عیسی است، دقت کردید چه می خواهم بگویم شاید اصحاب هم یعنی ابن، پس خوب دقت کنید نظر ابن الولید به استثنای این روایت است این ها دقت نکردند خیال کردند نظر ابراهیم یونس رفته، چون این روایت را الآن خواند برایتان از کتاب نوادرالحکمه است چون این شرح را من تا حالا جای ندادم امشب دیگر به این مناسبت ادراج به این جا رسیدیم دقت کردید چه شد؟ این از کتاب نوادرالحکمه است کلینی نقل می کند چون عرض کردیم کلینی مقید به کلام ابن الولید نیست اصلاً کلینی می گوید اگر انفراد داشت محمد ابن عیسی عن یونس قبول نمی کنیم کلینی دارد زیاد دارد احادیث چون صدها حدیث دارد انفراد محمد ابن عیسی عن یونس است زیاد دارد، ابن بابویه مقید، صدوق مقید است به کلام ابن، روشن شد کلینی هم طراز ابن الولید بلکه یک نیم رتبه ای مقدم است چون کلینی سه صد و سی و نه وفاتش است ایشان سه صد و چهل و سه دقت می کنید یک چهارده سال یا حالا پانزده سال بعد از مرحوم کلینی، یک نیم طبقه ای، ربع طبقه ای بر کلینی،

س: این را بخوانید یاسین ضریر شماره دوازده بیست هفت نجاشی است و صنف هذا الكتاب و المنسوب الیه

ج: تعبیر ایشان الكتاب المنسوب الیه، بعض ادعا کردند وقتی بگویند منسوب یعنی جعلی است معلوم نیست وقتی می گفتند که نه، نسبت در این جا به معنای لغوی یعنی يقال کتاب یاسین، نسبت به نحو اضافه، نه الكتاب منسوب الیه یعنی مضاف الیه لیس له، کتاب المنسوب

س: خودش خلاصه نسبت نمی دهد می گویند منسوب الیه یعنی نسب الیه

ج: نه ایشان می خواهد بگویند کتابی را که مراد از منسوب یعنی وقت می گویند، کتاب یاسین نسبت به نحو اضافه، که وقتی می گفتند کتاب یاسین این است

س: نه مجعول است

ج: نه مجعول این دوتا را با همدیگر فرق بگذارید، حالا این هم بحثی،

س: یک دفعه دیگر هم

ج: یک دفعه دیگر در باب حلبی من گفتم الكتاب المنسوب الیه دقت کردید پس بنابراین الكتاب المنسوب الیه وقتی می گویند کتاب یاسین، ببینید نجاشی هم خیلی اطلاع یعنی راجع نمی داند فقط می داند که یک کتابی در آن زمان به اسم یاسین ضریر، آن وقت از یک طرف هم این را هم اجمالاً خدمت تان عرض بکنم که خود محمد ابن عیسی هم احتمالاً دنبال خط مسلحانه بوده، ایشان این را کمتر نوشتند چون ما یک قصه ای داریم مال فارس ابن حاتم که حضرت فرمود این را بکشیم و یکی رفت یک شمشیر هم برد پیش حضرت، حضرت فرمود نه به حضرت هادی، بعد ساتول برد گفت با این ساتول خوب است که شب با ساتول زد نصفش کرد، بعد هم ساتول از دستش پرت و مردم ریختند و نشناختند، می خواهد یک کرامتی، راوی این محمد ابن عیسی است، یک حدیث دیگر از امام جواد است آن هم می گوید علیکم بالاخیال راوی این هم محمد ابن عیسی است، درباره محمد ابن عیسی این مطلب گفته نشده این را اولین بار ما

س: این روایت آورده در حال اختیار

ج: بله

س: عجب خیلی

ج: اگر امام جواد بوده الآن سازمان مبارزه با تروریسم

۴۶: ۴۳

می کردند اصلاً تصریح دارد، علیکم بالاخیال مال حضرت جواد است خیلی بعید است این را قبول بکنیم، خیلی بعید است دوتا روایت ما در مسأله ترور داریم، هر دو آن روایت که خیلی زننده است با ساتول زد طرف را کله اش را نصف کرد آن از امام هادی است نقل می کند که یک شمشیری برد، حضرت گفتند نه، این شمشیر اصلاً با حضرت هادی ملاقات نمی شد بشود، شمشیر ببرند و این شمشیر خوب نیست و ساتول ببرند و حضرت بفرماید ساتول خوب است

س: جعل کرده

ج: یکی هم علیکم بالاخیال چون تا حالا ذکر نشده، حالا می گویم آقایون ما را

۲۵: ۴۴

اشکال نکند گفت که ما را به صحبت می آورند این احتمال این هست که ایشان یک مقداری هم از این جهت من یک تأملی در ایشان دارم نه تأمل مرحوم ابن الولید پس ابن الولید به لحاظ حدیثی دوتا مشکل با ایشان دارد یکی نسخه کتاب یونس که ایشان درش احادیث منفرد باشد در بقیه نسخ نباشد، یکی هم در کتاب نوادرالحکمه جاهایی که محمد ابن عیسی به اسناد منقطع در این جا نه این که اسناد منقطع از یونس یعنی این ها شبهه دارد به نحو وجاده بوده، چون ما یک همان روایت را خواندیم از امام جواد نسبت دادند که آقا کتاب ها موجود بود زیر زمین دفن بود در آوردیم حضرت فرمود حدثوها فانها حق این شبهه بود که اجازه دادند ائمه شما به نحو وجاده نقل بکنید ایشان می گوید اسناد منقطع این است، ابن نوح می گوید اسناد منقطع است لیکن چون گفته عن، پس ظاهرش این است که این درست باشد لیکن خب ابن الولید می گوید نمی خورد این طبقه اش یاسین ضریر نمی خورد یاسین ضریر دارد از حریر نقل می کند اصلاً طبقه این به حریر نمی خورد به امام صادق نمی خورد، لذا بر، آن وقت شما الآن کتاب یاسین ضریر که آوردید شما بودید یا ایشان؟

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۷

جلسه: ۶۵

س: بله من آوردم

ج: بخوانید،

س: این کشی نقل می کند علیکم بالاختیال را؟

ج: بله،

س: که در خود روایت هست

ج: بله آن هم همین طور کشی آن یکی دیگر مال شمشیر هم کشی است می گوید شمشیر را حضرت نگاه کرد گفت نه ساتول، بعد ساتول بردند گفتند این خیلی خوب است اصلاً تصور با ساتول به کله یکی بزنند

س: اخبرنی محمد ابن علی قال حدثنا احمد ابن محمد ابن یحیی قال حدثنا سعد قال حدثنا محمد ابن عیسی ابن عبید عن

یاسین به، نجاشی شماره ۱۲۲۷

ج: خب این به لحاظ سندی اشکال سر احمد ابن، چون این هم توثیق ندارد عرض کردم دوتا آقازاده هستند هردو اسمشان احمد است یکی پسر محمد ابن یحیی که استاد صدوق است از پدرش نقل، این جا از غیر پدرش نقل می کند، حالا مال پدرش است ممکن است بگوییم حالا آثار پدرش بوده این جا از سعد نقل می کند این یکی را از سعد می کند یکی هم احمد پسر ابن الولید این دوتا آقازاده هستند هردو اسمشان احمد است هردو هم پدرشان اسمشان محمد است و هردویشان هم توثیق صریح دارند، و هردویشان هم جزء مشایخ حدیث هستند و عرض کردیم مرحوم شهیدثانی تقریباً تا آنجایی که من می دانم اولین کسی است در شیعه که گفت مشایخ احتیاج به توثیق ندارند این اصطلاح که، این مال شهیدثانی است که بعد آقای خویی هم قبول نکردند گفتند نه مشایخ هم توثیق می خواهد

س: اصلش در فهرست خواهد آمد

ج: برای دفع از فهرست این معلوم شد آقا این کتاب ببینید اصلاً کتاب یاسین ضریح را محمد ابن، این روشن شد این تاریخ برایتان کانما در قم در قرن چهارم این کار شد مرحوم ابن الولید می گوید آقا در کتاب نوادرالحکمه روایت محمد ابن عیسی عن یاسین ضریح این اشکال دارد اشکال انقطاع دارد،

س: بله

س: فقط صدوق عمل کرد

ج: این جا را نه، عمل نکرده صدوق

س: ابن الولید عمل کرده

س: نه می گوید صدوق

ج: نه صدوق این جا را عمل نکرده، چون یکی یکی نمی کند صدوق اجمالاً کلام ابن الولید را قبول می کند نه مفردات، آن وقت الآن ما در کتاب حج من اول خیال می کردم شاید شصت، هفتادتا حدیث است یا چون من یکی از رفقاء کتاب حج حریر را همه را استخراج کرده صد و سی و سه، صد و سی و چهارتا حدیث است این هم کار خوبی است بعد که نگاه کردم دیدم یاسین ضریح از حریر در حج چیزی در حدود شش هفت تا بیشتر نیست زیاد نیست آنی که من نگاه کردم، الآن دقیقاً آمارش را ندارم اول خیال

کردم، آن وقت نکته فنی اش این است که اگر زیاد باشد همین چون در فهرست خواهد آمد اگر زیاد باشد از کتاب یاسین است ببخشید اگر زیاد باشد از کتاب حریز است یک نسخه از کتاب حریز می شود، اگر پنج شش مورد همه اش

۴۸: ۲۲

از کتاب خود یاسین است البته یاسین از حریز گرفته یعنی فرقی این می شود که یک نسخه ای از کتاب حریز حسابش کنیم؟ مثلاً ابراهیم ابن هاشم یک نسخه از کتاب حریز است من باب مثال، حسین ابن سعید نسخه از کتاب حریز است این را از کتاب حریز حساب بکنیم یا این را از کتاب خود یاسین ضریر حساب بکنیم؟ اگر زیاد باشد، شصت، هفتاد تا باشد هشتادتا باشد انصافاً از کتاب حریز می شود نحکم بانه نسخه من کتاب حریز پس این حریز الآن مشکل اساسش یکی جناب محمد ابن و محمد ابن عیسی به نظر من این حدیث را استثناء کرده دیشب عرض کردم که کان اعلم علی احادیث، محمد ابن عیسی به جای علامت رمز داده گفته بین اولش اگر سهل ابن زیاد باشد اگر این جور باشد این ها مثل علامت گذاشتند این احادیث قابل قبول نیست، تمام استثنائات ایشان هم مال اول سند است اشتباه نشود و لذا استثناء فهرستی است اصلاً استثناء رجالی نیست چون اگر رجالی بود تا آخر سند را باید بگوید، یک اشتباه دیگری که آقایون کردند خیال کردند استثناء رجالی است

س: پنج تا در کافی در کافی پنج تا هست،

ج: ببینید چه حرفی؟

س: یاسین از حریز

س: یاسین از حریز

س: پنج تاست در باب حج،

ج: لذا شاهد می شود بر این که این از کتاب خود یاسین ضریر است اشکال ابن، این را دیده به جایی که بگوید علامت بگذارد بگوید این حدیث را قبول نکنید قبول هم نکرده حدیث معارض را قبول کرده روشن شد، به جایی که علامت بگذارد، گفت آقا اگر دیدید اسناد منقطع است از محمد ابن عیسی بین محمد ابن عیسی از ش نقل می کند یا نه؟ اگر نکند یعنی چه؟ اسناد منقطع یعنی وجاده، و انصافاً هم به نظر من حق با ابن الولید انصافش حق با ابن الولید است البته کافی به این حدیث اعتماد کرده صدوق اعتماد نکرده روشن شد چه می خواهم بگویم، پس الآن تاریخ کتاب نوادرالحکمه را جلوتان

س: شیخ مفید هم که اعتماد می کرد

ج: شیخ مفید نه معلوم نیست

س: محمد ابن عیسی را

ج: به محمد ابن عیسی چرا، ایشان اعتماد می کرد اصولاً کسانی که دارای عقلانی بودند به محمد ابن عیسی عن یونس عمل، آن بحث محمد ابن عیسی عن یونس است این جای دیگری است ربطی به او ندارد دقت کردید این دوتا را برداشتند خلط کردند این مطلبی که من نوشتم گفتم خیلی مطلب مهمی بود یعنی یک چیزی نزدیک چهار صد و پانصد، ششصد سال است در حدیث شیعه و رجال شیعه خلط شده بین مباحث یکی به آثار یونس است آن مال افراد است آثار یونس است یکی مال آثار است یعنی مال روایات آثار نه، روایات کتاب نوادرالحکمه است آن انقطاع است محمد ابن عیسی به اسناد منقطع پس و لذا هم شیخ طوسی

دوجا آورده یکی در آثار یونس آورده آنجا انفراد است، مشکل چه شد؟ آقایون مخصوصاً مستدرک دیگران همه خیال کردند این دوتا یکی است،

س: انفراد را ضعفش را زدند فکر کردند انقطاع

ج: انقطاع است به این زدند که مثلاً محمد ابن عیسی کوچک بوده یونس را درک نکرده، انفراد را به انقطاع زدند، توجه نشده البته ابن الولید نه آقا چون آدم خوبی بوده قبول می‌کنیم انصافاً آدم بدی نیست آدم خوبی است آدم مطلعی هم هست، خیلی مطلع است محمد ابن عیسی واقعاً کان الفضل یعجبه و یثنی علیه، و یقول من مثل ابی جعفر محمد انصافاً البته این حدیث هم سند روشنی ندارد این عبارت فضل هم سند روشنی ندارد به هر حال بله آقا؟

س: پس چرا این ظهور عنعن‌اش را رد می‌کنید آخر واقعاً برای من سؤال است

ج: بله سؤال ما هم شبهه کردیم دیگر عرض کردیم ما هم شبهه داریم ما هم شبهه داریم،

س: ابن الولید هم عصرش نزدیک بوده با بقیه شبهه کرده

ج: بله ایشان هم شبهه دارد ایشان معلوم نیست او را درک کرده باشد

س: خب حالا این ظهور را عنعن رفع می‌کند

ج: به هر حال ابن الولید می‌گفته درست است ظهور است اما این جا هم تاریخش بهم نمی‌خورد با هم انطباق تاریخی ندارد شبهه دارد، انصافاً بینی و بین الله خود من هم به عنوان یک کسی که حالا بعد از هزار سال بعد از آن آقایون آمدیم حق را با ابن الولید می‌دانیم، انقطاعش شبهه دارد آن وقت لذا بعضی‌ها گفتند، ابن الولید مثلاً استثناء کرده روایت محمد ابن، ملتفت نشده، استثناء کرد روایتش را با انقطاع این‌ها جزو مصادیق انقطاع است این حدیث جزو روایت محمد ابن عیسی عن یونس نیست جزو مواردی است که در نوادرالحکمه نه مطلقاً در نوادرالحکمه و لذا هم استثناء هم فقط از مشایخ ایشان کرده استاد صاحب نوادرالحکمه، مشایخ نوادرالحکمه گفته نوادرالحکمه این را از محمد ابن عیسی گرفته این هم لذا اشکال فهرستی است لذا ایشان استثنایش فقط روی مشایخ است آنچه را که نوادرالحکمه، محمد ابن احمد از کتاب محمد ابن عیسی از کتاب یاسین ضریر به نسخه محمد ابن عیسی گرفته مشکل دارد، مشکل انقطاع دارد، وجاده دارد مضافاً به این که خود یاسین ضریر اما من یادم می‌آید در درس یک وقتی آقای خویی توثیقش کرد، بر گشتم اخیراً چون یک بحثی هم شد رجال دیدم نه خود آقای خویی هم تضعیفش می‌کند، و انصافاً

س:

۵۳:۳۲

ج: بله، ندارد چیزی روشنی ندارد اگر آن الکتاب المنسوب الیه هم به معنی این کتاب مجعول است منسوب به معنی مجعول، آن‌که دیگر مصیبت را بیشتر می‌کند حالا ما منسوب را به معنای کتاب یسین به نحو اضافه گرفتیم، مثلی که

س: مشهور بوده

ج: اما بوده این کتاب اما کسی غیر از محمد ابن عیسی نقل نکرده، این اصطلاحاً معنایش این است که احتمال قوی ایشان یک نسخه پیدا کرده وجاده بوده کس دیگر هم تحمل نکرده حدیث را

س: این مسلم است که هم عصر نبودند محمد ابن عیسی با یسین ضریر

ج: عرض کردم آن عصر را نمی دانیم درست اگر می دانستیم که مشکل نبود که، چون او از حریر نقل کرده،

س:

۵۴: ۱۲

ج: نه چون او از حریر نقل کرده، نه چون آن از حریر نقل می کند و حریر جزو به حسب ظاهر امام صادق است این شهادت و این ها زمان امام صادق، اگر آقا اشکال در شهادت نکند، این شهادت ایشان زمان امام صادق است ظاهراً نیست این طور؟ پس این که محمد ابن عیسی اصحاب الصادق را درک بکند بسیار بعید است به هر حال این نشان می دهد من حیث المجموع یاسین ضریح شخصیت معروفی نیست به یک کتاب شناخته می شده کتاب یسین، راوی کتاب هم ابوجعفر محمد ابن عیسی است ابن الولید می گوید این شبهه انقطاع دارد به نحو وجاده نقل کرده، الآن همین صحیفه صادقه که مال عبدالله پسر عمرو عاص است خب یک سند واحد دارد عمرو ابن شیب، عرض کردم عمرو ابن شیب نوه نوده ای عمرو عاص است، عمرو ابن شیب ابن محمد ابن عبدالله ابن عمرو عاص ایشان نوه محمد است که محمد نوه خود عمرو عاص است یعنی نوه پسر عبدالله است خب خود ایشان را قبول دارند اما می گویند درک، یعنی اشکال بخاری این است که این نسخه است وجاده است، این از کتاب جدش عبدالله یک نسخه به نحو وجاده بهش رسیده و الا خود بخاری از عمرو ابن شیب نقل می کند چون عمرو ابن شیب جزء نواصب است عرض کردم آدم خبیثی است از او نقل می کند لیکن عمرو ابن این رمز کتاب صحیفه صادقه است عمرو ابن شیب عن ایبه عن جده قال قال رسول الله، اشکال بخاری، مسلم، دیگران این است که این به نحو وجاده است دقت کردید اشکال سر وثابت نیست، این راهی بوده که، همین اشکال بعینه در یاسین ضریح است من امروز یک کمی طولانی صحبت کردم اما این خیلی خیلی مهم بود یعنی اگر یک مقاله مستقله ای راجع به این نوشته بشود جا دارد، هم راجع به کلام

س: به خصوص که نقل زیاد دارد محمد ابن عیسی از یاسین

ج: الآن نگاه بکنیم در کتب اربعه یکی دو مورد است که احمد ابن محمد است همه اش محمد ابن عیسی عن یاسین

س: بله و لذا اگر این بحث بشود خیلی منشأ

ج: این نشان می دهد که به هر حال این کتاب یک مشکلی داشته فقط ایشان نقل کرده این محمد ابن عیسی عبیدی نقل کرده، دقت کردید، خب آقا بخوانیم بعد بنشینیم حالا این را هم که دیدیم حالا حدیث را ما معطل کردیم شما را عن یاسین ضریح چون دیگر این مطالبی بود جای گفته نشده بود حالا به مناسبتی امشب

س: بله، باب حد

۵۶: ۴۲

طواف در کتاب کافی تک حدیث است در این باب عن یاسین عن حریر ابن عبدالله عن محمد ابن مسلم قال سئله ایشان می گوید در این نسخه های که داشتیم حالا چاپ آقای غفاری این همین طور است، عن حد طواف بالبيت الذی من خرج منه، لم یکن طائفاً للبيت و قال کان الناس علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یطوفون بالبيت و المقام و انتم الیوم تطوفون مابین المقام و بین البيت

ج: اصلاً انتم تطوفون الآن یعنی چه؟ تعجب است یعنی امام می آید به شیعه خبر می دهد که شما این کار را می کند،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۱

جلسه: ۶۵

س: جدایش کردند

س: نه می‌خواهیم این مقدمه است که بعد حرف بعد را بگوید

ج: و انتم تطوفون شما شیعه‌ها این کار را می‌کنید یعنی چه شما شیعیان؟

س: مقام را جدا کردند از کعبه

ج: نه حالا جدا کردند شما شیعه امروز این کار را می‌کنید

س: حالا شیعه نمی‌شود کلی دیگر همه‌ای

ج: نه نه حتماً عده‌ای بودند که خارج از این هم طواف می‌کردند بفرمایید و انتم انتم یعنی چه؟

س: کافی دارالحدیث را آوردم که در نسخه‌های بدل‌ها هم اگر چیزی باشد عرض کنم

س: نسخه بدلی

س: بله، در آن نسخه بدلی نداشت،

س: پس در مورد کلش

س: بله نه جای دیگر چیزی که معلوم باشد نباشد بله و انتم الیوم تطوفون مابین المقام و بین البیت فکان الحد موضعاً المقام

الیوم فمن جازه فلیس بطائف و الحد قبل الیوم و الیوم واحد قدر مابین المقام و بین البیت

ج: خب انتم تطوفون یعنی چه دیگر؟

س: بله

س: من نواحی البیت کلها فمن طاف و تباعد من نواحیه ابعد من مقدار ذلک، تباعد من نواحیه ابعد من مقدار ذلک کان طائفاً

بغیر البیت

ج: اصلاً به کلام امام می‌خورد

س: بمنزله من طاف بالمسجد

ج: از اولش برده، عجیب است

س: لانه طاف فی غیر حد و لا طواف له این‌جا

س: عبارت فقهی می‌خواند

ج: عجیب است آقایون ورداشتند این را آوردند بهش تمسک کردند از بدوش تا ختمش واضح است عبارت فقهایی است

س: انتم تطوفون هم می‌خورد که حرف امام باشد انتم

ج: تطوفون الیوم

س: امام نمی‌آید بگوید شماها

ج: اصلاً دقت بکنید گفتم حدی که اگر خارج باشد ببینید صدر سؤال قال احتمالاً قال حریر سئلت محمد ابن مسلم

س: بله

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۲

جلسه: ۶۵

ج: جالا این چه بوده؟ کاملاً واضح است که نزدیک بیت اتاق‌های بوده مثل همان قصه‌ای فرزددق که عبدالملک نشسته بوده، اتاق‌ها، امراء و این‌ها آن‌جا می‌نشستند اگر می‌خواستند خارج از حد مقام ابراهیم پشت سر آن اتاق‌ها طواف می‌کردند که در حقیقت طواف اتاق‌ها هم می‌شد بخوان یکبار دیگر از اول سؤال خوب دقت

س: من نواحی البیت

س: در تهذیب این هست این روایت از کتاب کافی منتهی در حد

۱۲: ۶۰

تفاوت‌های ریزی دارد

ج: حالا نه دو مرتبه بخوانید دقت کنید دقت، نه از همین کافی اول بخوان دو مرتبه سئله عن حد البیت اذا خرج عنه کان طائفاً

س: لم یکن

ج: لم یکن طائفاً، معلوم

س: الذی من خرج منه لم یکن طائفاً

ج: معلوم می‌شود طائف به بیت می‌خواهد این اگر بیاید خوب دقت کردید

س: بله بله

ج: آخرش هم چه می‌گوید می‌گوید مثل این می‌ماند کسی خارج از مسجدالحرام طواف بیت بکند، چون می‌دانید که الآن دور و بر مسجد کلاً خالی است سابق نبود، سفر اول حج این طرفش کوه بود، من یک سفر رفتم شب‌ها و روز کار می‌کردند کوه را تراشیدند این مثل این می‌ماند کسی خارج از مسجدالحرام طواف بکند خب این طواف کعبه نمی‌کند که، آخرش را دقت کنید آخر عبارت را بخوانید، بمنزله من طاف

س: یک چیزی جالبی گفته این‌جا حاج آقا می‌فرماید و اتم الطوم تطوفون مابین المقام و بین البیت و کان الحد موضع المقام

یعنی آن موقع حد همان موضع مقام بود یعنی از آن بیشتر نباید آن ور می‌رفتند

س: خود المقام

س: بله الیوم فمن جازه فلیس بطائف کسی که از آن واقعاً

ج: طائف به بیت نیست،

س: بله طائف به بیت نیست

ج: یعنی چیزی دیگر در وسط است دارد طواف آن را می‌کند این درباره ولید نوشتند که بالای کعبه دستور داد یک ساختمانی بسازند که مردم وقتی طواف می‌کنند آن هم طواف بکند در تاریخ دارد و دستور داد که این را بسازند بعد هم بنشینند این‌جا شراب بخورد که بعد مردم فهمیدند در اعمال زشت در دمشق ریختند کشتنش، نوشته تاریخ الخلفاء سیوطی دارد پسر عبدالملک همین که قرآن را پاره کرد یکی از کارش هم همین بود که گفت بالای کعبه یک اتاق بسازند که مردم که طواف کعبه آمد طواف من را هم بکنند و شراب هم بخورد در عین حال

س: حالا آن‌که دیگر هیچی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۳

جلسه: ۶۵

ج: هیچی خب بعد بخوانید من کان

س: جازه فلیس بطائف الحد قبل الیوم و الیوم واحد،

ج: خب

س: آن حد مطاف هردو روز یکی است قدر مابین المقام و بین، مقام امروزی و

ج: بیت خب بعدش

س: من نواحی البیت کلها فمن طاف فتباعه من نواحیه ابعده من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت

ج: معلوم می شود غیر بیتی در وسط بوده، کمن طاف خارج البیت

س: فمن طاف بالمسجد

ج: بالمسجد این کان، این خیلی واضح است مثل این که کسی بیاید از بیرون مسجد طواف بکند

س: مثلی این که به مسجد به اماکن دیگر مسجد

ج: نه مرادش این است بیاید بیرون مسجد دوباره

س: مثل آن می شود دیگر

ج: مثل آن، یعنی معلوم می شود ساختمان در وسط بوده این طواف نیست اگر می خواهد طواف واقعی بیت باشد، در این، یعنی

معلوم می شود ما که سفر اول رفتیم باب بنی شیبیه هنوز بود یک چارچوبی بود به نام باب بنی شیبیه، من خودم مخصوصاً مرحوم

پدر خیلی علاقه داشت همیشه می رفت از آنجا، ما هم خیلی از آنجا وارد می شدیم بعد برداشتنش این ورش باز ساختمان مال

زمزم بود آن را هم برداشتند، این

س: بله

ج: این احتمال

س: امامت امام های فاسد

ج: معلوم شد، معلوم شد که این ها یک ساختمان های بوده اگر از این حد خارج می شد نواحی البیت

س: طواف به آنها می شد

ج: طواف به بیت تنها نبود مثل این کسی که، تعبیرش مثل یک کسی که می خواهد خارج مسجد طواف بکند.

س: ادامه روایت یک تعلیلی دارد نشان می دهد اصلاً حتی ساختمان هم نباشد باز طواف بغير بیت است

ج: نه نیست این،

س: چرا ببینید

ج: نیست،

س: لانه دلیلش می گوید لانه طاف فی غیر حد، چرا این طواف بغير بیت است فقط به این خاطر فی غیر حد است،

ج: بعد بخوانید بقیه اش را بخوانید

س: بله می فرماید کان طائفاً بغير البیت بمنزله من طاف بالمسجد

ج: منزله من طاف دارد تصریح می کند

س: بله بعد می گوید دیگر بعد می گوید لانه طاف فی غیر حد،

ج: حدش این است که باید خود مسجد باشد، خود کعبه باشد شما بیایید بیرون، بیایید از بیرون از داخل خیابان طواف بکنید طواف کعبه حساب می شود؟ نمی شود خب،

س: داخل مسجد هم از آن حد خارج بشود باز هم طواف به بیت نیست،

ج: چرا نواحی بیت دارد اصلاً ندارد یک جایش معلوم است

س: یعنی طائف غیر بیت دارد یعنی یک چیزی دیگر هست می شود طائف غیر

ج: غیر بیت،

س: یعنی غیر بیت

س: یعنی غیر بیت

س: مکانش هم

ج: اصلاً از تعبیر، اصلاً تعبیر کمن طاف خارج المسجد واضح است،

س: اگر مطاف را شرعی بدانیم آخر این فرمایش شما در جایی که مطاف را عرفی بدانیم، مطاف را اگر شرعی بدانیم یک متر

هم که آن ورتر باشد هیچی نباشد طواف غیر بیت است،

ج: نه این نیست،

س: مکان اضافه شد

ج: این نیست نه این واضح است که دارد می گوید یک چیز دیگری است

س: آخر تعلیلش روشن است، لانه فی غیر حد

ج: حدش همان است که باید خود بیت باشد، خود کعبه باشد،

س: صدق نمی کند

ج: بعد هم بمنزله من طاف خارج المسجد این واضح است عبارت خارج المسجد

س: خب این تعلیلش هم واضح است

ج: نه همین حدش است

س: همین که خروج از حد باشد طواف به بیت نیست

ج: یعنی حدش این است که طواف تان رو کعبه باشد نه طواف رو کعبه و زیادی، طواف رو کعبه و زیادی نباشد، ساختن دیگر

نباشد

س: شیخ طوسی قبل از آوردن این روایت، جساراً این جا ایشان همین برداشتی که شما فرمودید دارد می گوید و حد الطواف

بالبیت الذی من خرج منه لم یکن طائفاً بالبیت و لا طواف له هو ان یطوف مابین المقام و البیت فمن جازه او تباعد عنه فلیس

طوافه بشئ روی ذلک محمد ابن

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۵

جلسه: ۶۵

س: دیگر این روایت است دیگر آن که گفته روایت است

ج: معلوم می شود که طواف

س: نوشته طواف نیست دیگر

ج: یعنی چرا؟ چون

س: یعنی مطاف را شرعی دانستند نه عرفی،

ج: نه مطاف که شرعی، ایشان می خواهد بگویند که الآن ساختمان این دو، البته من تاریخ مکه فاکهی را ندیدم فاکهی تاریخ مکه ازرقی، آن را ندیدم این، آنی که ما خودمان دیدم ساختمان زمزم بود،

س: بله

ج: آن ساختمان زمزم بود دیگر

س: جای امام جماعت ها هم گاهی اتفاق

س: اصلاً عکس های که از آن قدیم هم هست همین جور

ج: من خودم دیدم زمزم است

س: در زمان شما هم بود؟

ج: بله یک ساختمانی بود که می رفتند پایین برای زمزم دیگر الآن نیست صاف است همه اش صاف است یکنواخت، طوافی که الآن هست صاف است اصلاً این صدق نمی کند، بعد هم می گویند بمنزله من طاف خارج المسجد واضح است مطلب،

س: خارج البیت همان خارج المسجد دیگر بعد می گویند لانه چرا این به منزله آن است

ج: این آخرش دارد این آخرش دارد لانه بمنزله من طاف خارج المسجد

س: خارج المسجد چرا بمنزله آن است؟

ج: چرا؟ چون ساختمان در وسط است

س: خارج از حد است این را نگفت،

ج: نه،

س: خارج از حد

ج: نه آقا نواحی بیت بین دقت بکنید و لذا هم دارد و اتم تطوفون الآن اصلاً خیلی عجیب این کلام نمی تواند باشد که،

س: نقل شیخ طوسی این روایت نقل هم کرده به همین شکل است

س: بله اختلاف خیلی کم دارد مثلاً

ج: روی ذلک که نوشته

س: محمد ابن یعقوب

س: از کافی نقل کرده

س: بله از همین جاست منتهی فقط اختلاف متن دارد،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۶

جلسه: ۶۵

ج: مستقیماً از کتاب نوادرالحکمه نقل نکرده،

س: از این تعلیل می شود یک قاعده کلی در آورد اگر خارج از حد باشد طواف بالبیت نیست حالا می خواهد چیزی باشد، می خواهد نباشد؟

ج: این تعبیر حد نیست درش آقا جان، اصلاً بعد دارد تصریح می کند بمنزله من طاف خارج المسجد

س: بمنزله طاف بالمسجد

ج: خب معلوم می شود ساختمان است دیگر خب واضح است که این مطلب

س: می گوید هر کسی خارج از حد باشد مثل کسی است که خارج از مسجد رفته،

ج: نه بمنزله این نیست عزیز من خارج المسجد اگر فرض کنیم مطاف باشد، حالا ساختمان نباشد این هم بمنزله خارج مسجد می شود؟

س: تعلیل همین است

ج: نه در نمی آید این مطلب، کاملاً در نمی آید

س: نه حاج آقا ثبت بشود ما گفتیم شاهد باشد این کائنات شاهد باشد ما گفتیم

ج: بله چرا،

س: طبق فتوای شما نصف حج مسلمان ها باید باطل باشد

ج: نه آن یک حرف دیگر است

س: چرا دیگر

س: روایت دیگر را اخذ می کنیم فعلاً بگوییم این روایت چه می گوید؟

س: نه خب آن روایت قرینه است بر این که

ج: و انتم و انتم تطوفون

س: روایت دلیل می شود

ج: این که می گوید و انتم تطوفون معلوم می شود یک چیزی بوده یعنی در آن جا برای این که برای این که طوافی، و انتم تطوفون الآن یعنی برای این که طواف واقعاً باشد باید بین این حد باشد اگر خارج این حد طواف بیت نیست، اصلاً اگر دقت بکنید عبارت

را

س: اصلاً اصلش هم شما روایت را دیگر تضعیفش هم کردید

ج: حالا غیر از تضعیف

س: روایت نیست

ج: اصلاً من می گویم روایت نیست

س: ولی معنایش چه است؟

س:

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۲۷

جلسه: ۶۵

۶۸: ۲۱

ج: این قال یعنی حریز سئله یعنی سئله محمد ابن مسلم اصلاً این کلام محمد ابن مسلم است، اصلاً من حرفم این است که

این کلام محمد ابن مسلم است مدرج هم نیست کلش مال محمد ابن مسلم است

س: آن خلاف ظاهر است چون واقعاً می گوید قال عن محمد ابن مسلم قال این

ج: قال یعنی قال یعنی قال

س: نقل می کند از محمد ابن مسلم بعد

ج: قال حریز

س: بعد می گوید قال حریز

ج: بله خب، سئله

س: حریز نقل از محمد ابن مسلم بعد بگوید قال حریز

ج: چرا رسمش است عن محمد ابن مسلم قال سئلت ابا عبدالله رسمش این است که این جا سئله دارد،

س: بله مضمهر هم هست تازه این حدیث

ج: بله مضمهر می گوید اصلاً حالا آن مشکلات فنی و این هایش که جای خودش، اصلاً خود عبارت به

س: سه چهار بار تصریح دارد سه بار دارد لا طواف خارج این

ج: خارج حد بشود از طواف خارج است، نه لیس اذا جازه خوب دقت کنید، ببینید می گوید اذا جازه لیس طائفاً بالبیت خوب

دقت کنید یعنی چه طائف بالبیت نیست؟ بعد می گوید بمنزله من طاف خارج المسجد، یعنی مثل این است که از این حد که خارج

شد به بیت نیست چیز دیگر هم هست همان چیزی که گفتم بنی امیه درست کردند، البته عرض کردم من چون کتاب ارزقی را

ندارم باید اخبار مکه را ببینم که چه ساختمان های مثلاً این که نوشتند قصه حضرت سجاد آیا واقعاً این عبدالملک فقط نشسته بود

یا آن جا اتاق داشت در اتاقش بود که نگاه می کرد این احتمال

س: هشام ابن عبدالملک

ج: هشام ابن عبدالملک

س: فرزددق

ج: بله که با فرزددق آنی که ما الآن داریم اجمالاً این طوری است آنی که الآن اجمالاً داریم این است که از این حدیث معلوم

می شود که یک حدی بوده که اگر از این خارج می شده طائف بالبیت نیست، بعد می گوید بمنزله من طاف خارج المسجد یعنی

سختمانی هست، این دارد دور آن ساختمان، برای این که دور ساختمان را طواف نکند مابین مقام و مابین دیوار این به آن ساختمان

دیگر طواف نمی کند، ظاهر عبارت این است

س: حالا اگر ساختمان نبود بعد از مقام هم طاف بالبیت دیگر

ج: حالا،

س:

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۲۸

جلسه: ۶۵

۲۸: ۷۰

ج: آن وقت نواحی هم دارد یعنی ببینید نواحی دارد، یعنی ساختمان‌ها همه یکجا نیست، یکش این ور است

س: مقام و هی المسجد الحرام نواحی همان زمینش هم نواحی حساب می‌شود

ج: نه بابا از نواحی کعبه، نواحی بیت اطراف شاید یک ساختمان یک بر بوده یک ساختمان این ور بوده می‌گوید دور تا دور حساب بکن،

س: حج این همه حاجی را می‌خواهید باطل کنید

ج: حالا دیگر وقت ما هم تمام شد من این نکته را هم بگویم یک روایت معارض دارد در وسائل است،

س: آن رد شد کلاً

ج: این اصلاً کلام واضح است فتوا،

س: معلوم نشد

ج: اصلاً نیست این، اصلاً این نیست

س: اگر نبود سندش معتبر بود هم همین جوری حرف می‌زدی؟

ج: بله، اصلاً مشهور، معلوم نیست عبارت

س: ادراج نشد این؟

ج: نه عرض کردم مدرج نیست

س: کلاً مدرج هم نیست

ج: من گفتم مدرج نیست لذا اول آوردم مثال برای این که مدرج نیست

۱۹: ۷۱

ما تعبیر موقوف نداریم این اصلاً هم مدرج نیست من به عنوان این که مدرج نیست آوردم نه به عنوان مدرج در بحث مدرج ابتداءً عرض کردم آنچه که اصلاً کلاً مال امام نیست این را مدرج، در همین باب وسائل حدیث بعد از این هم دارد خوب دقت کن آن حدیث دوم است که این حدیث باز صدوق آورده کلینی نیاورده، حماد است یا ابان ابن عثمان

س:

۴۵: ۷۱

چون من از کافی خواندم آن هم از صدقه

س: آن هم از که نقل کرده دیگر؟

ج: که؟ وسائل بله نه بعدش یک حدیث از صدوق است محمد ابن علی ابن الحسین،

س: بله دومی را هم دارد محمد ابن علی ابن الحسین باسناده عن ابان عن محمد ابن علی الحلبي قال سئلت باعبدالله

ج: ابان الآن سند ایشان به ابان در ذهنم نیست سریع اگر بیاورید الآن سندش اما به نظر من صحیح است روایت صحیح است

الآن در ذهنم،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

صفحه ۲۹

جلسه: ۶۵

س: سئلت اباعبدالله عن الطواف خلف المقام قال ما احب ذلك و ما اری به بأساً و لا تفعله الا ان لاتجد منه بدّاً

ج: من به نظرم این حدیث هم خوب دقت کنید، این حدیث هم به نظر من این حدیث هم هنوز آن زمان است ساختان بوده،

س: بله ساختمان

ج: می گوید شما نیت طواف می کنید لیکن خوب نیست این کار را نکن، یعنی نه این حدیث و حدیث قبلی هردو اگر حدیث باشند به زمان ما نمی خورند، هردوشان به زمان ما نمی خورند اصلاً مال زمان نیستند،

س: چرا؟

ج: چون باز است زمان، تمام مسجدالحرام باز است

س: فیه عن ابان فرویته عن ابی رضی الله عنه عن سعد ابن عبدالله عن یعقوب ابن یزید عن صفوان ابن یحیی عن ابی ایوب

عن ابی علی صاحب الكل عن ابان ابن تغلب

ج: نه این ابان ابن تغلب نه، ابان ابن عثمان

س: ببخشید اصلاً من حواسم نبود

ج: بله این ابی علی صاحب الكل یک کمی اشکال دارد و الا

س: به این آل سعود صحبت کنیم این مقام را ببرند یک پنجاه متر هم آن ورتر

ج:

۱۰: ۷۳

س: و ماكان فيه عن ابان ابن عثمان فقد رويت عن محمد ابن الحسن رضی الله عن محمد ابن الحسن صفار

ج: این محمد ابن حسن اول ابن الولید است دومی صفار است،

س: عن یعقوب ابن یزید و ایوب ابن روح و ابراهیم ابن هاشم عن محمد ابن عبدالجبار کلهم عن محمد ابن ابی عمیر و صفوان

ابن یحیی عن ابان ابن عثمان

ج: خیلی سند صحیح است خیلی معتبر است به دو نسخه اصلی، برای این که یک نوادر ابن ابی عمیر، یکی هم کتاب احکامی

که صفوان دارد، بسیار به سندها متعدد است

س: معتبر است

ج: کاملاً این قابل قیاس با آن روایت نیست

س: خیلی جالب هم هست سئلت اباعبدالله عن طواف خلف المقام قال ما احب ذلك

ج: این مال همین است هنوز ساختمان بوده

س: معلوم است استحباب های که

۴۹: ۷۳

کراهت دارد اما اشکال ندارد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۲۱ - ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۰

جلسه: ۶۵

ج: اما اشکال ندارد دقت کردید و لذا هم به نظر من آقایون عده‌ای خب به این عمل کردند گفتند این صحیحه است بهش عمل کند اشکال ندارد اما به نظر من این روایت و آن روایت تاریخش یکی است وجود آن ساختمان‌هاست آن یکی کلام محمد ابن مسلم است این یکی کلام امام است می‌گوید نکن چون فاصله دارد، اما به هر حال فاصله غیر از این است که خارج مسجد باشد س: در زمان ما به طریق اولی اشکال ندارد

ج: هردوشان،

س:

۱۶: ۷۴

ج: الان هردو عوض شدند هردو روایت موضوع ندارند، این هم نکته آخری، دیگر طولانی صحبت نمی‌کنم بقیه‌اش باشد برای فردا و صلی الله این روایت است آن یکی نه آقا به قول ایشان مدرج.